

استراتژی نظامی جدید چین: ابعاد و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی

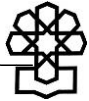
معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی
دفتر: مطالعات سیاسی

کد موضوعی: ۲۶۰
شماره مسلسل: ۱۴۳۲۲
تیرماه ۱۳۹۴

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده.....
۲.....	مقدمه.....
۳.....	۱. نگاه اجمالی به کتاب سفید استراتژی نظامی ۲۰۱۵ چین.....
۵.....	۲. انگیزه‌های پکن در تنظیم استراتژی نظامی ۲۰۱۵.....
۹.....	۳. واکنش سایر کشورها به استراتژی نظامی جدید چین.....
۱۱.....	۴. پیامدهای استراتژی نظامی ۲۰۱۵ چین.....
۱۴.....	نتیجه‌گیری.....
۱۵.....	منابع و مأخذ.....



استراتژی نظامی جدید چین: ابعاد و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی

چکیده

چین از سال ۱۹۹۵ به صورت دوسالانه مبادرت به انتشار کتاب سفید با محتوای استراتژی نظامی - امنیتی کرده است. در این کتاب‌ها در عین حال که بر مواضع دفاعی پکن در حوزه‌های نظامی تأکید شده، اما نوسازی نظامی و پیشبرد فرآیند انقلاب در امور نظامی نیز در برنامه و دستورکار قرار گرفته است. تلاش پکن در تمام این سال‌ها بر ارائه آمیزه‌ای از این دو جزء برنامه‌های نظامی خود بوده است؛ از یک‌سو، تأکید بر دفاعی بودن توان نظامی چین و از سوی دیگر، تجهیز و تسلیح به پیشرفته‌ترین سطوح تکنولوژی نظامی. بر همین اساس هم این کشور در گامی رو به جلو کتاب سفید سال ۲۰۱۵ را برخلاف رویه سابق نه «نامه دفاع» بلکه استراتژی نظامی عنوانگذاری کرده است. این سند که به‌تازگی منتشر شده، جزئیات استراتژی نظامی و امنیتی چین در قالب دفاع فعال، از نوع جنگ‌هایی که احتمالاً این کشور در آینده درگیر خواهد شد تا استراتژی‌هایی که برای مقابله در این جنگ‌ها در پیش خواهد گرفت و تا برجسته‌سازی شاخه‌های نظامی خاصی مانند شاخه نیروی دریایی، را دربر می‌گیرد. نوشتار حاضر، به تشریح این سند و برشمردن ویژگی‌های آن از قبیل آماده‌سازی نظامی فضای جغرافیایی، گسترش حضور نظامی دریایی و تقویت قدرت دریایی، توسعه قابلیت‌های جنگ سایبری و دفاع فعال پرداخته است. ارزیابی چین از ضعف نظامی خود در

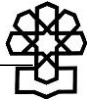
زمینه‌های تجهیزاتی، تشکیلاتی، آموزشی و نیروی انسانی، منازعات بالقوه سرزمینی و ژئوپلیتیکی این کشور و ضرورت مقابله با ادعاهای کشورهای منطقه و مداخلات آمریکا و گسترش نفوذ جهانی از مهمترین انگیزه‌های پکن در جهت تنظیم سند استراتژی نظامی جدید است. با توجه به این انگیزه‌هاست که کشورهای منطقه و همچنین آمریکا واکنش نشان داده و با اتخاذ رویکرد بدبینانه و سوءظن‌آمیز، نزدیکی و اتحاد گسترده‌تر میان خود را در پیش گرفته‌اند. این کشورها از پیامدهای استراتژی نظامی جدید چین در هراسند و به خوبی می‌دانند که این استراتژی می‌تواند به گسترش نفوذ و نقش سیاسی، امنیتی و اقتصادی پکن در سطوح منطقه‌ای و جهانی بیانجامد، امری که مطلوب هیچ یک از آنها نیست. بر همین اساس، نوع آرایش سیاسی منطقه از صف‌آرایی برخی کشورهای شرق آسیا در برابر چین و اتحاد آنها با واشنگتن حکایت دارد.

مقدمه

چین کشوری با سابقه تاریخی و تمدنی به درازای تاریخ، همواره از ظرفیت لازم برای قدرت‌یابی و نقش‌آفرینی در سطوح منطقه‌ای و جهانی برخوردار بوده و سایر بازیگران نیز بدان اذعان داشته‌اند. در تاریخ معاصر آنچه این کشور را وارد معادلات بین‌المللی کرد، استراتژی توسعه اقتصادی در سایه محیط امن و باثبات بوده که خود زمینه‌ساز استمرار دکتترین ظهور مسالمت‌آمیز چین شده است. امروزه این کشور پیشگام کشورهای موسوم به قدرت‌های درحال ظهور^۱ یا اصطلاحاً بریکس^۲ محسوب می‌شود. چین با تکیه

1. Rising Powers

2. BRICS



بر استراتژی توسعه اقتصادی، قدرتیابی اقتصادی را سرلوحه سیاست خارجی و داخلی خود قرار داد و سپس متناسب و متوازن با آن قدرتیابی سیاسی در سطوح منطقه‌ای و جهانی را دنبال کرد. از آنجا که پکن این استراتژی تلفیقی را توأمان و گام‌به‌گام و تدریجی به پیش رانده، تازه‌ترین کتاب سفید^۱ این کشور که در ۲۶ می سال ۲۰۱۵ منتشر شد توجهات بسیاری را به خود جلب کرده است. چین همواره استراتژی نظامی - امنیتی خود را در مواضع تدافعی تنظیم و اعلام کرده و از این‌رو، بر کتاب‌های سفید که از سال ۱۹۹۵ منتشر ساخته، عنوان «نامه دفاع» (Defence Paper) نهاده است. چنین تدبیری از آن جهت اتخاذ شده که به بازیگران منطقه‌ای و بازیگران قدرتمند جهانی و به‌ویژه آمریکا اطمینان دهد که نیت پکن نه حمله، بلکه دفاع از خود است. نوشتار پیش رو، به بررسی اجمالی استراتژی ۲۰۱۵ چین براساس کتاب سفید پرداخته و انگیزه‌ها و پیامدهای این استراتژی را مورد واکاوی قرار می‌دهد.

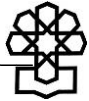
۱. نگاه اجمالی به کتاب سفید استراتژی نظامی ۲۰۱۵ چین

کتاب سفید ۲۰۱۵ چین در چند بخش جداگانه تنظیم شده و استراتژی پکن را در قبال شرایط امنیت ملی، مأموریت‌های نیروهای مسلح، راهنمای دفاع فعال، ساخت و توسعه نیروهای مسلح، آمادگی برای مبارزه نظامی و همکاری‌های امنیتی و نظامی، تشریح کرده (<http://www.china.org.cn/china>) و تهاجم دفاعی، عملیاتی و تاکتیکی را یکپارچه ساخته است. در این میان مهم‌ترین بخش این سند «راهنمای دفاع فعال» است که باعث می‌شود تغییرات زیادی در استراتژی نظامی پکن ایجاد شود. پکن اعلام کرده

قصد دارد حضور نظامی خود را به منظور حفاظت از منافعش در جهان گسترش دهد. با وجود تنش‌های فزاینده در منطقه پاسیفیک، کتاب سفید ۲۰۱۵ بر صلح و توسعه تصریح کرده و ارزیابی می‌کند که «در آینده قابل پیش‌بینی وقوع جنگ جهانی بعید به نظر می‌رسد و می‌توان انتظار داشت که وضعیت بین‌المللی همچنان صلح‌آمیز باقی بماند، اما جهان هنوز هم با تهدیدهای فوری و بالقوه ناشی از جنگ‌های محلی مواجه می‌باشد». تحت این شرایط، «معضلات امنیت ملی فراروی چین شامل موضوعاتی در طیف گسترده می‌شود. بنابراین، بدون «ارتش قوی» یک کشور نه می‌تواند امن باشد و نه قوی» (Blasko, 2015). ارتش قوی بنیان بازدارندگی استراتژیک چندوجهی چین را تشکیل داده و برای جنگیدن و عملیات نظامی، اصلی ضروری به‌شمار می‌آید.

محور اصلی کتاب سفید ۲۰۱۵ را «وظیفه همیشگی و بلندمدت چین برای حراست از حقوق و منافع دریایی خود» تشکیل می‌دهد. به‌ویژه آن که ایالات متحده استراتژی موازنه‌سازی مجدد^۱ را به مورد اجرا گذارده و حضور نظامی خود و متحدان نظامی‌اش را در منطقه افزایش داده است. نیروی دریایی ارتش خلق چین به تدریج تمرکز خود را از «دفاع از آب‌های ساحلی» به تلفیقی از «دفاع از آب‌های ساحلی» با «دفاع از آب‌های آزاد» تغییر خواهد داد که نسبت به کتاب سفید ۲۰۰۶ که «هدف نیروی دریایی را گسترش تدریجی عمق استراتژیک برای عملیات دفاع از سواحل» اعلام کرده بود، تغییری معنادار به‌شمار می‌آید.

این سند همچنین تأکید می‌کند که چین به توسعه قابلیت‌های مربوط به جنگ سایبری با روند شتابنده‌ای ادامه خواهد داد، زیرا «رقابت استراتژیک بین‌المللی در فضای



سایبری به شکلی فزاینده شدت یافته است». کتاب سفید ۲۰۱۵، طرح گسترش برنامه‌های فضایی، تقویت نیروهای هسته‌ای با قابلیت حمله نظامی میان‌برد و دوربرد و تأکید مجدد بر نیروی هوایی ارتش خلق چین را ارائه کرد (Gady, 2015).

۲. انگیزه‌های پکن در تنظیم استراتژی نظامی ۲۰۱۵

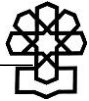
۲-۱. ارزیابی از ضعف نظامی خود

ارتش آزادی بخش خلق چین تحولات قابل توجهی را از اواسط دهه ۱۹۹۰ تجربه کرده است. در ادامه این روند، در حال حاضر بیشترین توجه ارتش چین معطوف به رشد ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود است تا ضعف تجهیزاتی، تشکیلاتی، آموزشی و نیروی انسانی‌اش را مرتفع سازد. انعکاس ارزیابی از ضعف نظامی، نخبگان چینی را به‌سوی نوسازی نظامی و همراهی با انقلاب در امور نظامی سوق داد. از مهمترین الزامات این روندهای جدید می‌توان به افزایش بودجه نظامی چین (افزایش ۱۰ درصدی نسبت به بودجه سال ۲۰۱۴) (Rajagopalan, 2015) اشاره کرد. در واقع، استراتژیست‌های چینی دریافته‌اند که ارتش این کشور در معرض ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌های جدی‌ای قرار دارد که می‌تواند توانایی آن را برای مبادرت به جنگ‌های اطلاعات پایه و جنگ‌های مدرن در آینده محدود سازد. به اعتقاد آنها این ضعف‌ها را می‌توان در دو مقوله جای داد؛ یکم، ضعف‌های نهادی است؛ ساختارهای فرسوده فرماندهی، کیفیت پایین نیروی انسانی، سطوح پایین حرفه‌ای‌گری نظامی و فساد در میان نظامیان. ضعف دوم به توانمندی‌های جنگی و مبارزاتی بازمی‌گردد که عبارتند از: ضعف لجستیک، توانمندی‌های هوانوردی استراتژیک ناکافی، نقص دفاع دریایی، هوایی و جنگ‌افزارهای زیردریایی. این نقاط ضعف مانعی جدی در برابر انجام

وظایف سیاستمداران چینی در حوزه‌هایی مانند یکپارچه‌سازی سرزمین چین از طریق الحاق تایوان، دفاع از ادعاهای سرزمینی چین، حفاظت از خطوط ارتباطی دریایی و سایر انواع عملیات نظامی فراتر از جنگ محسوب می‌شوند (Chase, et. al., 2015: x).

۲-۲. منازعات بالقوه سرزمینی و ژئوپلیتیک

معضلات ژئوپلیتیک و در رأس آن اختلافات ارضی و مرزی آینه تمام‌نمای ساخت امنیتی و پیچیدگی محیط امنیتی چین است که بر ضرورت تنظیم استراتژی‌های نظامی مناسب در این زمینه دلالت دارد. قرارگیری تقریبی چین در محور ژئوپلیتیک منطقه سبب شده تا تکوین و تداوم هرگونه مسئله یا بحران در سطوح گوناگون منطقه به‌ویژه در حوزه ژئوپلیتیک برای این کشور حائز اهمیت شود. بنابراین، گوناگونی و تنوع این چالش‌ها و مناقشات ژئوپلیتیک در سال‌های اخیر مهمترین مانع در برابر دکتربین‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی چین بوده است. مهمترین این چالش‌های ژئوپلیتیک علاوه بر مناقشه تایوان، نقش‌آفرینی نظامی ژاپن و بحران هسته‌ای کره شمالی و اختلافات ارضی و مرزی چین با همسایگان است که تهدیدات ناشی از آن از دو معضل دیگر محسوس‌تر به‌نظر می‌رسد. آن چیزی که بیش از ماهیت اختلافات مرزی، «ادراک تهدیدگری» چین را در نزد کشورهای منطقه قوی‌تر کرده حساسیت شدید پکن در قبال موضوعات حاکمیتی و امکان واکنش‌های سریع و غافلگیرکننده آن است که مثال برجسته آن بیم کشورهای منطقه از پاسخ چین به این اختلافات همانند مسئله تایوان است (Glaser, 2014). چین برای حل این معضل از ابزارهای مختلفی بهره گرفته و می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین ابزارها در این جهت، افزایش هرچه بیشتر توان نظامی است و



اکنون تغییر رویکرد نظامی به دفاع فعال راه را برای این آرزوی چین طی سال‌های آینده باز خواهد کرد.

۲-۳. چالش‌های آمریکا و احتمال درگیری

از مشکلات پیش روی چین در آسیا، نفوذ سیاسی و امنیتی آمریکا در منطقه شرق آسیاست. ادعای آمریکا آن است که چین در برخورد با همسایگان از موضع قدرت و هژمونی‌جویی عمل می‌کند. توجه استراتژیک آمریکا همواره معطوف به چین بوده، به‌گونه‌ای که قبل از این نیز در گزارش سالیانه وزارت دفاع آمریکا به کنگره در مورد قدرت نظامی چین، از رشد سریع نوسازی و توسعه نظامی چین و افزایش هزینه نظامی آن ابراز نگرانی شده بود (Singh and Kumar, 2012). در نتیجه، واشنگتن مدعی است که سعی می‌کند به نفع شرکا و متحدین سنتی خود در منطقه وارد عمل شده تا مانع پیشروی پکن شود (Tellis, 2013: 16). به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران رشد اقتصادی فزاینده چین و ضعف و بحران اقتصادی غرب و به‌ویژه ضعف سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا، سیاست واشنگتن را به جانب شرق آسیا متمایل ساخته است که به سیاست تمرکز بر آسیا^۱ و یا موازنه‌سازی مجدد^۲ موسوم می‌باشد. گرچه آمریکایی‌ها همواره در سیاست اعلامی، بر این موضوع که هدف سیاست موازنه‌سازی مجدد، مهار چین نیست، پای فشردند و کوشیده‌اند تا تصویر بی‌طرفانه‌ای از خود در مناقشات منطقه‌ای به نمایش گذارند، اما این تلاش به دلیل تناقض با رفتار واقعی این کشور از سوی چینی‌ها چندان مورد توجه واقع نشده است (Glaser,

1. Pivot to Asia

2. Rebalancing

(2014) و پکن مداخله توسعه‌طلبانه آمریکا را عامل برهم‌زننده ثبات، نظم و امنیت منطقه‌ای می‌داند. بدین سان، چین آمریکا را به‌مثابه یک تهدید جدی می‌نگرد از این‌رو تلاش دارد با مدرنیزاسیون ارتش، قابلیت‌های خود را در برابر آمریکا افزایش دهد. بر همین اساس، برخی تحلیلگران اذعان داشته‌اند که جنگ بین آمریکا و چین در آینده اجتناب‌ناپذیر است، مگر اینکه آمریکا برنامه‌های چین را در منطقه به‌ویژه در دریای جنوبی متوقف سازد (Durden, 2015). در چنین شرایطی استراتژی نظامی چین بر حفاظت از کشور در برابر تهدیدهای خارجی ناشی از هژمونیسیم، سیاست قدرت و مداخله‌گرایی نوین تأکید دارد که اشاره آشکار آن به ایالات متحده است (<http://thebricspost.com>).

۴-۲. گسترش نفوذ جهانی

چین از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل قابل توجهی برخوردار است که آن را در مقامی بالاتر از یک قدرت منطقه‌ای صرف جای می‌دهد. براساس منطق ساختاری قدرت، حوزه اطلاق منافع کشورها تابعی از میزان و سطح قدرت آنهاست. به همین منوال، چین نیز به تناسب قدرت فزاینده و رو به افزایش خود حوزه اطلاق منافعش را به‌گونه‌ای فرامنطقه‌ای تعریف کرده است. این کشور به‌عنوان اولین پشتوانه بر منابع اقتصادی متمرکز گشته و در سایه دکترین ظهور مسالمت‌آمیز به توسعه اقتصادی و دیپلماسی اقتصادی روی آورده است. اما نخبگان چینی بر جامعیت و فراگیری منابع قدرت اذعان داشته، تقویت قدرت نظامی از طریق نوسازی نظامی و سهیم شدن در انقلاب در امور نظامی را نیز سرلوحه برنامه‌های استراتژیک و بلندمدت خود قرار دادند. گذشته از دلایل



و انگیزه‌هایی که تاکنون بحث شد، داعیه قدرت‌طلبی چین و هویت‌یابی آن به‌عنوان پیشگام قدرت‌های نوظهور جهانی عامل مهمی در تنظیم و تدوین سند استراتژی ۲۰۱۵ پکن بوده است.

۳. واکنش سایر کشورها به استراتژی نظامی جدید چین

۱-۳. واکنش کشورهای منطقه

علاوه‌بر نگرانی کشورهای منطقه شرق آسیا از ادعاهای سرزمینی چین، محور دیگر نگرانی که به نوعی پیامد مستقیم اختلافات ژئوپلیتیک در سطح منطقه است، نوسازی نظامی پکن در سال‌های اخیر بوده است. کشورهای منطقه با تفسیر این اقدامات چین به‌عنوان بسترسازی برای اهداف جاه‌طلبانه بر این اعتقادند که نبود هنجارهای امنیتی یکسان در مدیریت رقابت‌های بالقوه از یک‌سو و عدم تقارن میان نیروهای نظامی این کشورها با چین ازسوی دیگر، نشان می‌دهد که هرگونه تلاش برای ایجاد تحول نظامی نمی‌تواند بیانگر اهداف و نیت خیرخواهانه چین در منطقه باشد (Cunha, 1998:3). همان‌گونه که میرشایمر معتقد است، اغلب همسایگان چین مانند هند، ژاپن، سنگاپور، کره جنوبی، ویتنام، فیلیپین در مهار و سد نفوذ چین با آمریکا هم‌داستانند (Mearsheimer, April 2006, 61). بر همین اساس است که رهبران چین پس از انتشار کتاب سفید اخیر به صراحت و با تأکید اعلام داشته‌اند که پکن قصد حمله به هیچ کشوری را ندارد، مگر اینکه در معرض تهدید به حمله یا اقدام به حمله قرار گیرد. اما به نظر نمی‌رسد این مواضع از قدرت اقناع‌کنندگی در میان همسایگان برخوردار باشد و آنها صراحتاً بی‌اعتمادی خود را نسبت به مقاصد چین ابراز داشته‌اند. بر این اساس،

یکی از نتایج مستقیم و آشکار استراتژی نظامی جدید چین اتکای بیشتر کشورهای منطقه بر حمایت‌های آمریکا به منظور بازدارندگی در برابر پکن است.

۲-۳. واکنش آمریکا

با خیزش چین و تثبیت جایگاه آن در نظام جدید بین‌المللی، طی دهه‌های آتی، برخی استدلال می‌کنند که برخورد منافع ورای اختلاف ایدئولوژیک، به رقابت منافع استراتژیک بین آمریکا و چین در منطقه آسیا-پاسفیک و یا حتی در جهان منتهی می‌شود. بر همین اساس، ایالات متحده همواره و به دفعات نگرانی خود را از نوسازی نظامی و مشخصاً افزایش سریع بودجه نظامی چین ابراز داشته و آن را غیرقابل توجیه دانسته است. افزون بر این از منظر پنتاگون، بودجه نظامی چین بسیار بیش از رقمی است که به طور رسمی از سوی این کشور اعلام می‌شود. از دیدگاه آمریکا، سرمایه‌گذاری‌های چین در حوزه نظامی که طیفی از افزایش قابلیت‌های نیروی دریایی و هوایی، افزایش توانایی‌های راداری و سیستم‌های پیشرفته موشکی و تسلیحاتی را دربرمی‌گیرد، توانایی نظامی چین را به کل منطقه آسیای شرقی گسترش می‌دهد و موشک‌های بالستیک قاره‌پیما و جنگنده‌ها و زیردریایی‌ها قابلیت‌های این کشور را از آسیا فراتر می‌برد. بر مبنای چنین برداشتی آمریکا استراتژی موازنه‌سازی مجدد را در قبال چین در پیش گرفته است. در راستای عملیاتی‌سازی این استراتژی و حل معمای امنیتی ناشی از کتاب سفید چین، آمریکا سیاست مهار پکن و مشارکت با آن را توأمان در پیش می‌گیرد. سیاست آسیایی ایالات متحده، به‌ویژه در قبال هند و ژاپن به‌عنوان همسایگان و رقبای چین و اطمینان دادن به آنها از مواضع حمایتی خود از یک‌سو و تقویت حضور نظامی این کشور در آسیا از دیگر سو، از نشانه‌های اعمال این سیاست می‌باشد.



۴. پیامدهای استراتژی نظامی ۲۰۱۵ چین

۴-۱. نقش آفرینی گسترده تر سیاسی - امنیتی چین

چین به مثابه بازیگری نوظهور که از ظرفیت‌های سیاسی، استراتژیک و ژئوپلیتیک لازم برخوردار می‌باشد، به دنبال تکمیل نقش آفرینی خود در سطوح منطقه‌ای و جهانی می‌باشد. همان‌گونه که گفته شد، مهمترین شاخص بازیگری و نقش آفرینی چین در این قالب، شاخص اقتصادی است. اما پکن نشان داده که اراده‌اش را معطوف به این ساخته که هم‌تراز و هم‌وزن با قدرت و نقش اقتصادی، قدرت سیاسی خود را نیز افزایش داده، به‌گونه‌ای که قادر به نقش آفرینی سیاسی و امنیتی نه تنها در سطح منطقه بلکه در نظام بین‌الملل باشد. از ملزومات چنین نقشی برخورداری از ظرفیت‌های نظامی و استراتژیک است. زیرا افزایش دامنه قدرت مانور در حوزه‌های سیاسی - امنیتی بدون پشتوانه نظامی و بدون ارتش قوی عملی به نظر نمی‌رسد. کتاب سفید سال ۲۰۱۵ نیز از نقش گسترده سیاسی - امنیتی چین در سطوح منطقه‌ای و جهانی سخن رانده و یکی از مهمترین وظایف ارتش را دفاع از منافع ملی کشور عنوان ساخته است. این منافع را چین نه فقط در سطح منطقه‌ای بلکه در سطح بین‌المللی نیز دنبال می‌کند. بر این اساس در راستای جایگاه و موقعیت ممتاز چین است که مطابق منطق تناسب، ارتقای قابلیت‌های نظامی و استراتژیک پکن به تقویت سایر قابلیت‌های فرااستراتژیک می‌انجامد.

۴-۲. نقش آفرینی گسترده تر اقتصادی پکن

در تحلیل‌های موجود، قدرت چین عمدتاً با معیارهای اقتصادی سنجیده می‌شود. توسعه صنعتی و فناوریانه، نرخ رشد اقتصادی، میزان تولید ناخالص داخلی، نرخ درآمد سرانه،

برخورداری از سهم شاخص در بازار تولید کالا و خدمات و نقش آفرینی در عرصه تجارت منطقه‌ای و جهانی، از جمله این معیارها می‌باشند (Paraghan, 2011). قدرت اقتصادی پشتوانه سایر منابع قدرت بوده، در این میان قابل تبدیل به قدرت نظامی است. بدون شک ارتش قوی بدون اقتصاد قوی قابل حصول نبوده و تاب نخواهد آورد. در تبیین قدرت اقتصادی و نظامی چین نمی‌توان رابطه مبتنی بر قوام بخشی متقابل میان آنها را نادیده گرفت. همان‌گونه که قدرت اقتصادی چین پشتوانه تقویت قدرت نظامی و موقعیت استراتژیک آن در سطح جهانی و منطقه‌ای به‌شمار می‌آید، قدرت نظامی نیز در خدمت تأمین منافع اقتصادی این کشور قرار می‌گیرد. این نکته‌ای است که به صراحت در متن کتاب سفید ۲۰۱۵ چین آمده است. بر همین اساس، می‌توان گفت که خیزش سال‌های اخیر چین که عمدتاً به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بالای اقتصادی آن بازمی‌گردد، موجب اقتصاد - محور شدن تمامی سیاست‌های این کشور شده، به‌گونه‌ای که تخصصات قومی، فرهنگی، تاریخی و حتی اختلافات مرزی آن را تا حدود زیادی مسکوت گذاشته است. در واقع، براساس منطق وابستگی متقابل، در شرایط مبتنی بر وابستگی متقابل اقتصادی، هزینه درگیری و نزاع سیر تصاعدی خواهد داشت و از این رو است که ممانعت از تبدیل اختلافات به بحران و یا در شرایط بحرانی شدن مدیریت بحران و ممانعت از تبدیل شدن آن به منازعه، الگوی رفتاری غالب چین می‌باشد. بنابراین، اقتصاد و معادلات اقتصادی پکن ضمن اینکه بازتابنده قدرت آن تلقی می‌شود، بازدارنده ملاحظات سیاسی - امنیتی آن نیز به‌شمار می‌آید. تعریف استراتژی توسعه‌محور در چین و ضرورت‌ها و الزامات ناظر بر آن که عمدتاً معطوف به محیط منطقه‌ای و بین‌المللی با ماهیت موضوع اقتصادی بوده، این کشور را به‌سوی ایجاد



محیطی باثبات و امن، فارغ از تنش و درگیری‌های سیاسی - امنیتی سوق داده است. این موضوعی است که به بیان نخبگان چینی در پرتو وجود یک نیروی نظامی قوی امکان‌پذیر می‌باشد.

۳-۴. تأثیر بر آرایش سیاسی منطقه

با تقویت احساس تهدید از جانب چین، کشورهای منطقه به دنبال ارتقای قابلیت‌ها و توانمندی‌های نظامی خود برآمده و در این راستا، حمایت آمریکا را جستجو می‌کنند. به نظر می‌رسد در این زمینه نوعی همگامی و هم‌نوايي میان واشنگتن و کشورهای منطقه که نوعی هراس تاریخی از پکن دارند، به چشم می‌خورد. در این میان واشنگتن نیز سعی می‌کند با سوءاستفاده از این شرایط حضور خود را در منطقه افزایش دهد. حمایت واشنگتن از خیزش قدرت‌های نوظهور آسیایی علاوه بر قدرت‌های سنتی منطقه مانند ژاپن و یا سایر بازیگران منطقه‌ای مانند فیلیپین و کره جنوبی که در پیرامون چین قرار دادند، در این راستا ارزیابی می‌شود. گسترش روابط آمریکا با کشورهایمانند هند و اندونزی، در راستای مهمترین هدف آن برای موازنه‌سازی در برابر چین ارزیابی می‌شود (Tellis, 2013: 16).

از این رو استراتژی نظامی جدید چین می‌تواند محرکی برای تقویت سیاست نگاه به شرق واشنگتن باشد. در عین حال تسریع این روند بر شکاف‌ها و منازعاتی که از مداخله آمریکا در منطقه نشئت می‌گیرند خواهد افزود.

نتیجه‌گیری

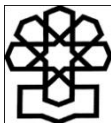
چین به‌مثابه قدرت نوظهور با داعیه‌های هژمونیک به‌دنبال احراز موقعیت و جایگاه مطلوب خود می‌باشد و از این‌رو، استراتژی گام‌به‌گام متوازن‌سازی منابع قدرت را در پیش گرفته است. چین با توجه به اختلافات تاریخی و ژئوپلیتیک همواره در برابر کشورهای همسایه جانب احتیاط را حفظ کرده است. از این‌رو، پکن با نگاه به نگرانی‌های همسایگان به تدوین و اعلام برنامه‌های نظامی و استراتژیک خود مبادرت ورزیده است. در همین راستا، بودجه نظامی چین با نوسان به تدریج افزایش یافته، به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۱۵ به میزانی بیش از بودجه نظامی کل منطقه بالغ گردیده است. انگیزه‌های اصلی پکن در تدوین استراتژی نظامی ۲۰۱۵ را می‌توان در ارزیابی استراتژیست‌های چینی از ضعف نظامی کشور، آماده‌سازی خود برای مقابله با اختلافات سرزمینی و ژئوپلیتیک، مقابله با تهدیدهای امنیتی آمریکا و گسترش نفوذ جهانی جستجو کرد. این انگیزه‌ها و برنامه‌های مبتنی بر آن با واکنش منفی سایر کشورها از جمله بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌ویژه آمریکا مواجه شده است. از نتایج مهم این نگرانی‌ها باید به تحکیم هم‌پیمانی استراتژیک میان آمریکا و بازیگران منطقه‌ای اشاره کرد. آمریکا در این راستا استراتژی موازنه‌سازی مجدد با هدف مهار چین و در عین حال مشارکت با این کشور را در پیش گرفته و چین نیز قدرت‌یابی نظامی به موازات قدرت‌یابی اقتصادی را پیشه ساخته تا نظمی جدید در منطقه با محوریت نقش‌آفرینی سیاسی، امنیتی و اقتصادی گسترده‌تر خود را درآفکند و حوزه نقش‌آفرینی خویش را به فراسوی منطقه بسط دهد.



منابع و مأخذ

1. Blasko, Dennis J. (2015) The 2015 Chinese Defense White Paper on Strategy in Perspective: Maritime Missions Require a Change in the PLA Mindset, China Brief Volume: 15 Issue: 12May 29
2. Chase, S. Michael, et. al (2015) China's Incomplete Military Transformation, Assessing the Weaknesses of the People's liberation Army (PLA), Santa Monica: Rand Corporation.
3. Cunha, D. (1998) "Southeast Asian Perceptions of China 's Future Security Role in Its Backyard", in: In China 's Shadow, Edited by pollack and Yang, Rand.
4. Franz-Stefan Gady (2015) China to Embrace New 'Active Defense' Strategy, in: <http://thediplomat.com/2015/05/china-to-embrace-new-active-defense-strategy/>
5. Glaser, Bonnie S. and Ely Ratner (2014) "Can Asia prevent its own Crimea?", Mar 26, in: <http://csis.org/publication/can-asia-prevent-its-own-crimea-1>.
6. <http://thebricspost.com/china-military-white-paper-warns-against-outside-threats-of-hegemony/#.VWWB8FI2Lcc>.
7. Mearsheimer, John J. (2006) "Structural Realism," in Tim Dunne, Milja Kurki, and Steve Smith, eds., International Relations Theories: Discipline and Diversity, Oxford: Oxford University Press.
8. Page, Geremy (2015) China's Military Spending to Double by 2015 – Report, <http://blogs.wsj.com/chinarealtime/2012/02/14/chinas-military-spending-to-double-by-2015-report/>.
9. Praghan, Jaya Prakash and Lazaroiu, George (2011) "Rise of Emerging Economies: An Introduction", Economics, Management, and Financial Markets, Vol. 6: 1.
10. Singh, Mandip and Kumar Lalit (2012) China's Defense Budget 2012: An Analysis, in: http://www.idsa.in/system/files/IB_ChinasDefenceBudget2012_MandipLalit.pdf.
11. Tellis, A. J. (2013) Balancing without Containment: A U.S. Strategy for Confronting China's Rise, The Washington Quarterly, 17-19.
12. The 2015 version can be found at http://www.china.org.cn/china/2015-05/26/content_35661433.htm.

13. Tyler Durden (2015) Chinese State Paper Warns "War Will Be Inevitable" Unless U.S. Stops Meddling In Territorial Dispute, in: <http://www.zerohedge.com/news/2015-05-25/war-will-be-inevitable-unless-us-stops-meddling-terroritorial-dispute-chinese-state-ne>.
14. Rajagopalan, Megh (2015), China defense budget rise to defy slowing economy, in: <http://www.reuters.Com/article/2015/03/04/>



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۴۳۲۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: استراتژی نظامی جدید چین: ابعاد و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: فاطمه سلیمانی

ناظر علمی: مهدی امیری

متقاضی: مهدی دوانگری (عضو محترم کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی)

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. چین

۲. استراتژی نظامی

۳. آمریکا

۴. شرق آسیا



تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۴/۹